

زین العابدین مؤتمن در سال ۱۲۹۳ خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود. دوران دبستان و دبیرستان را در این شهر گذراند و از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی لیسانس زبان و ادب پارسی و انگلیسی و درجه B. A. از دوره عالی کالج امریکایی گرفت. از ۱۶ سالگی (۱۳۰۹) نوشتن رمان تاریخی آشیانه عقاب را آغاز کرد و پس از ۷ سال نسخه نهایی آن را در ۱۳۱۶ به پایان برد. نگارش آشیانه عقاب به نیمه رسیده بود که گردانندگان روزنامه شفق سرخ این زمان را به مدت ۷ - ۸ ماه پیاپی تا لغو «امتیاز» شفق سرخ به چاپ رساندند. بعدها آشیانه عقاب به صورت کتاب انتشار یافت و به چاپ پنجم رسید.

مؤتمن پیش از همکاری با شفق سرخ، از سال ۱۳۱۲ مقاله‌ها و شعرهایش را برای روزنامه امید می‌فرستاد. زنده یاد ابوالقاسم حالت درباره همکاری مؤتمن با امید نوشته است: «ز - م. حاج لک لک امضا زین العابدین مؤتمن بود. مؤتمن نویسنده داستان تاریخی و معروف آشیانه عقاب است که با بهترین داستان‌های قهرمانی و ماجراجویی اروپایی برابری می‌کند. پروفیسور ماخالسکی، ایرانشناس لهستانی، بدون اینکه نویسنده آشیانه عقاب را دیده و شناخته باشد، این کتاب را که بیش از هزار صفحه است با دقت و حوصله بسیار مطالعه کرده و در کتاب خود به نام رمان تاریخی در ادبیات معاصر ایران راجع به آشیانه عقاب مقاله مفصلی نگاشته و محسنات ادبی و هنری آن را ستوده است.

در یک جا می‌گوید: نویسنده آشیانه عقاب متفکری عمیق و بیننده و شناسنده جمیع مشخصات عوالم انسانی است. ولی مؤتمن، هم شاعر است و هم نویسنده و از مطالعه همین یک قطعه که در امید چاپ شده عاقلان دانند که تا کسی حقیقتاً شاعر نباشد چنین شعری نمی‌تواند گفت:

از مال جهان مراست یاری	کز دوز و کلک کسی چو او نیست
بهتر ز رفیق کیست؟ بر گو	این مسأله جای گفتگو نیست
رفتم به هوای دیدن او	با این که مرا زیاد رو نیست
چون نوکر او گشود در، گفت:	رفته است برون ز خانه، تو نیست
گفتم: به خدا دروغ گفتم!	گفتا که رهی دروغگو نیست
گفتم: بگذار تا بگردم	گفتا که: مقام جست و جو نیست
گفتم: عجب از چنین رفیقی	کش لطف و صفا به قدر مو نیست
صد بار به خانه من آمد	یکبار نگفته‌ام بگو نیست
با این همه ناز و سرگرانی	انصاف بده که از عدو نیست
گفتا: پی کار خویشان رو	گر سیلی و مشتت آرزو نیست!
زین حرف لبم کلفت گردید	دل رنجه ز حرف مفت گردید. ^۱

مؤتمن بعدها با توفیق هم همکاری کرد، اما اوج فعالیت‌های مطبوعاتی او مدیریت نشریه جوانان ایران است.

جوانان ایران از سال ۱۳۰۴ با «امتیاز» محمدحسین میرزای فرهی منتشر شد و در یازده سال نخست افراد دیگری مدیریت آن را بر عهده داشتند و مؤتمن از شماره نخست سال دوازدهم مدیریت و سردبیری این نشریه را بر عهده گرفت. در سر لوحه نخستین شماره‌ای که به مدیریت مؤتمن انتشار یافته در دو سوی «جوانان ایران» آورده‌اند: «شماره [یک] پنج‌شنبه ۲۱ آبان [۱۳۱۵]، صاحب امتیاز فرهی [۴] مدیر فارسی [و از شماره سوم مدیر و سردبیر: زین‌العابدین مؤتمن [۴] مدیر انگلیسی تقی مرتضوی [۴] آدرس: کالج البرز تهران [۴] نمره تلفن ۱۳۱۴ [۴] وجه اشتراک برای یکسال مدرسه داخله ۶ ریال خارجه ۱۰ ریال تک شماره ۵۰ دینار».

مؤتمن در سرمقاله نخستین شماره سال دوازدهم نوشته است:

«بنام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

با تقدیم این شماره نامه جوانان ایران وارد دوازدهمین سال عمر خود می‌گردد.

اگر چه انتشار شماره اول این سال قدری به دیر انجامید اما خیلی خرسند و خوشوقت هستیم که بالاخره توانستیم این نامه محقر را که بمثابة دست گل زیبایی از بوستان علم و ادب



آقای زین العابدین مؤمن مدیر و سر دبیر
قسمت فارسی نامه جوانان ایران
Zein-ul-Abedin Mo'tamen, the Per-
sian Editor of Iranian Youth

است تقدیم خوانندگان عزیز و دانش آموزان گرامی بنمائیم.

جای بسی خوشوقتی و مسرت است که چنین نامه گرانبهائی در دسترس ما می باشد و می توانیم افکار و احساسات خود را به صورت مقاله ای در آورده در صفحات کوچک آن منتشر سازیم باید قدر این سعادت را بدانیم این نامه محقر که هر دو هفته یکبار منتشر می شود در حقیقت نماینده افکار و ترقیات محصلین این مدرسه است نخبه آثار و برگزیده افکار ایشان در صفحات آن انتشار می یابد این یگانه نامه ایست که هیئت مدیره و تحریریه آن را محصلین خوش قریحه و باذوق که از گوشه و کنار میهن عزیز برای تحصیل به این مدرسه آمده اند تشکیل می دهند تنها نامه ایست که به این اسم و عنوان در کالج البرز منتشر می شود آیا بر ما نیست که آن را عزیز و گرامی شمرده و به هر وسیله ای که می دانیم در ترقی و عظمت آن بکوشیم باید دانست این نامه ای که در دو هفته یکبار در هشت صفحه به زبان فارسی و انگلیسی بدون هیچ زحمت و موارتی به دست ما می رسد برای پرورش آن چقدر زحمت و مشقت کشیده اند تا این نهال کوچک را برومند کرده و بدین پایه از ترقی و کمال رسانیده اند.

قبل از هر کسی جناب پرفسور یانک که فعلاً در امریکا تشریف دارند فکر تأسیس نامه را در دماغ محصلین انداخته و بعداً آقای فرهی که فعلاً استاد ادبیات کالج می باشند امتیاز روزنامه ای را به اسم روزنامه جوانان ایران از وزارت معارف برای ایشان گرفتند اولین شماره آن روز چهارشنبه

۲۱ بهمن ۱۳۰۴ در چهار صفحه (سه صفحه انگلیسی و یک صفحه فارسی) منتشر شد و شماره دوم آن درست سه ماه بعد انتشار یافت. آخرین شماره سال اول یعنی شماره چهارم در روز جشن فارغ‌التحصیلی در حضور جمع کثیری از اعیان و وزراء و وکلاء نشر گردید، در سال دوم دو صفحه نیز بر آن افزوده شده و تا مدتی در شش صفحه انتشار می‌یافت و از این تاریخ روزنامه رسمی کالج البرز گردید. بعدها دو صفحه دیگر نیز بر آن افزوده شده و انتشار آن چنانکه می‌بینیم تا این زمان ادامه پیدا کرده است. امیدواریم بعدها نیز به ترقیات بیشتری نائل شده و بیش از پیش سربلند و نامور گردد.

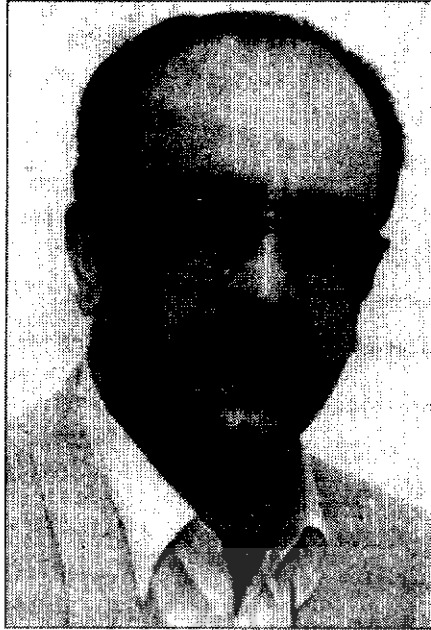
اکنون که اداره امور این نامه گرامی به دست عزم و همت ما سپرده شده است قصد داریم با انتخاب مطالب سودمند و موضوع‌های مختلف و ترجمه‌های شیرین بر مزایای آن افزوده و آن را بصورت یک نامه عام‌المنفعه و سودمند درآوریم. البته اگر از طرف محصلین محترم مقالات مفید و اشعار متینی واصل شود به درج و انتشار آن مبادرت خواهد شد. از خداوند متعال برای ترقی و تعالی این نامه کوچک توفیق می‌طلبیم و من الله التوفیق و علیه التکلان.

زین العابدین مؤتمن.^۲

جوانان ایران نیمی به زبان فارسی و نیمی به زبان انگلیسی است. در صفحات فارسی پس از «آغاز سال نو»، «اخبار داخلی کالج»، «مسابقه فکری»، «یک صفحه از یک کتاب: سحرگاه»، «نامه‌های وارده»، «رباعی»، «هوش خود را بیازمایید»، «امان از قرض» و شعرهایی از زین العابدین مؤتمن است.

جوانان ایران در سال دوازدهم تا دوشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۱۶ در مجموع ۱۰ شماره منتشر شد. در سر مقاله «آخرین شماره...» این سال می‌خوانیم:

«با تقدیم این شماره روزنامه جوانان ایران سال دوازدهم عمر خود را تمام می‌کند. خیلی خرسند و خوشوقت هستیم که بالاخره توانستیم بدون هیچ گونه اشکال و پیش آمد نامساعدی نمرات این نامه کوچک را یکی پس از دیگری منتشر ساخته و تقدیم دانش‌آموزان عزیز و سایر خوانندگان گرامی بنمائیم. بدیهی است که طبع چنین نامه‌ای در محیط مدرسه با اشتغال کلیه اعضای آن به تحصیل و گرانی اجرت طبع و سایر موانع هر چقدر هم کوچک و محقر باشد آن قدرها خالی از اشکال و دردسر نخواهد بود. ولی از آنجائی که هر کس را وظیفه‌ایست که باید در انجام آن بکوشد ما نیز آنچه در حیز امکان بود کوشیدیم و از بذل هرگونه مجاهدت و کوششی در انتخاب موضوع‌های خوب و مفید و درج مطالب متنوع و مختلف که اسباب سرگرمی و اشتغال خاطر خوانندگان محترم را فراهم آورد خودداری و اهمال نکردیم و گمان می‌کنیم تا اندازه‌ای نیز به انجام این منظور موفق و نائل شده باشیم. در واقع اگر مراجعه



● سیدفرید قاسمی

مختصری به دوره یکساله این روزنامه کرده شود صدق عرایض ما معلوم می‌گردد به طور کلی موضوعهائی که در عرض این یکسال صفحات کوچک این روزنامه را اشغال کرده است عبارتند از یک سلسله مقالات ادبی و اخلاقی و ورزشی و اجتماعی و تربیتی و همچنین قسمت‌های منظوم از آثار شعرای متقدم و جوانانی که تازه می‌خواهند افکار نوین خود را با سبک و اسلوب جدیدی به رشته نظم در آورند و نیز قسمت‌های دیگری از قبیل فکاهیات و مسائل هوش آزمائی و طرح بعضی جداول و مسابقات فکری و قلمی و همچنین درج اخبار داخلی کالج البرز برای کسانی که خارج از طهران و محیط این دبیرستان می‌باشند و قسمت‌های تازه‌ای مانند نامه‌های وارده که بیشتر دارای جنبه فکاهی و انتقادی است و تهیه گراورهای مختلفی راجع به قسمت‌های ورزشی و تحصیلی و اجتماعی که در انجمن‌های متعدده این دبیرستان صورت می‌گیرد و هر آینه اگر تشویق و استقبال عده زیادی از دانش‌آموزان و مشترکین خارج این نامه نبود ایرادات و کارشکنی‌های بعضی از بی‌خبران که هرگز با محیط مطبوعات و اشکالاتی که در این راه وجود دارد سروکار و ارتباطی نداشته‌اند ما را به کلی از کار دلسرد و مأیوس می‌کرد سخن اینجاست که هر کس کتاب یا روزنامه‌ای را در دست می‌گیرد تصور می‌کند فقط به خاطر او نوشته شده و می‌بایستی دارای مطالبی باشد که از حدود ذوق و قریحه و خواهش او تجاوز ننماید و آنچه را که دارای این شرط نباشد بدون هیچ فکر و اندیشه‌ای بی‌موضوع و بی‌فایده تشخیص داده بی‌محبا

شروع به انتقاد و خرده‌گیری می‌نماید غافل از اینکه سلیقه‌ها و استعدادها یکسان نیست و اعتقادات و تصورات بشر هر یک برگرد محور جداگانه‌ای می‌چرخد ممکن است آنچه را که من نه پسندیدم و بی‌بها تشخیص داده‌ام دیگری از آن حظ و بهره کامل برده و درباره آن طور دیگری فکر نماید. بنابراین نباید کتاب یا روزنامه‌ای را از نظر فردی قضاوت نمود بدیهی است ما نمی‌توانیم مطالب روزنامه را طوری فراهم نمائیم که تمام مندرجات آن مطابق میل و سلیقه فرد خوانندگان روزنامه باشد دانش‌آموزان این دبیرستان و سایر مشترکین روزنامه ما ذوق و استعداد و پایه معلومات و سنخ افکار و تصوراتشان یکسان نیست بنابراین باید در انتخاب موضوعهای مختلف و متنوع که جنبه عمومی آن بر سایر جنبه‌های آن بچربد سعی بلیغ و مجاهدت کافی به خرج داد و همین بود منظوری که ما از ابتدا در نظر داشتیم و روی آن اصل مطالب و موضوعهای روزنامه خود را فراهم می‌کردیم حال نمی‌دانیم نهال کوشش ما تا چه حد به بار آمده و این ارمغان ناچیز تا چه اندازه مورد قبول و نظر ارباب ذوق و کمال واقع شده است

صالح و طالح متاع خویش فروشند
تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.^۲

سال سیزدهم جوانان ایران با انتشار شماره یک این سال در پنج‌شنبه ۱۸ آذر ۱۳۱۶ تولد یافت. «آغاز سال نو» عنوان سر مقاله زین‌العابدین مؤتمن در این سال است:

«به نام خداوند جان آفرین ۱ حکیم سخن در زبان آفرین

با تقدیم این شماره روزنامه جوانان ایران وارد سیزدهمین سال عمر خود می‌گردد اکنون دوازده سال است که چنین نامه‌ای [با این اسم و عنوان در محیط کالج البرز منتشر می‌شود بدیهی است روزنامه‌ای] که در محیط مدرسه انتشار می‌یابد و غالب خوانندگان آن را نیز محصلین مختلفه تشکیل می‌دهند می‌بایستی در اطراف مسائلی بحث نماید که بیشتر مورد احتیاج این طبقه از مردم باشد و سعی ما نیز در این است که حتی المقدور مطالب و مندرجات روزنامه ما متناسب با روحیات طبقه جوان و محصل و از حدود احتیاجات آنها تجاوز ننماید. سیزده سال قبل محصلین این مدرسه به تقلید کلیه مؤسسات معارفی و دبیرستانها و دانشکده‌های ممالک خارجه به خیال طبع و اشعار روزنامه‌ای [در محیط مدرسه افتادند. سپس آقای فرهی که فعلاً دبیر ادبیات این دبیرستان می‌باشند و تاکنون نامشان زینت بخش عنوان این نامه است امتیاز روزنامه‌ای را به اسم جوانان ایران از وزارت معارف گرفتند. اولین شماره آن روز چهارشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ در چهار صفحه (۳ صفحه انگلیسی و یک صفحه فارسی) منتشر گردید شماره دوم آن درست سه ماه بعد انتشار یافت آخرین شماره سال اول یعنی شماره چهارم در روز جشن فارغ‌التحصیلی در حضور عده‌ای از رجال و اعیان و وزراء و کلاء منتشر شد. سال بعد دو صفحه بر آن افزودند و مدتی نیز در شش صفحه انتشار می‌یافت و اکنون سالهاست که در



● نیر ۱۳۴۱ - سویس (مونترو) زین العابدین مؤنس

هشت صفحه (چهار صفحه فارسی و چهار صفحه انگلیسی) منتشر می‌گردد.

ما محصلین این مدرسه که از گوشه و کنار میهن عزیز جمع گشته و در این دبیرستان به تحصیل علم و هنر مشغول هستیم بسی خود را خوشبخت و مسرور می‌دانیم که همه گونه اسباب تحصیل و تجربه در شئون مختلفه اجتماعی برای ما میسر و فراهم است از جمله همین نامه کوچک و زیبا که دوازده سال تمام است که همه ساله در تحت توجه یک عده از محصلین همین مدرسه طبع و نشر می‌گردد و ما می‌توانیم افکار و احساسات و آثار قلمی و فکری خود را در صفحات کوچک آن انتشار داده و از این راه هم دیگران را به افکار خود آشنا کرده و هم استعداد و قریحه نویسندگی و ادبی خود را تقویت و تکمیل نماییم.

اکنون که برای دومین مرتبه اولیاء محترم کالج اداره امور این روزنامه را به دست عزم و همت ما سپرده‌اند با تجربیاتی که برای ما حاصل آمده است قصد داریم بیش از پیش بر مزایا و محاسن آن افزوده و با درج مطالب مختلف و موضوع‌های متنوع آن را به صورت یک نامه دلپسند و سودمند و عام المنفعه‌ای در آوریم. دوستان عزیز زحمت طبع و انتشار این نامه با ماست و ما فقط به کمک فکری شما محتاج هستیم انتظار داریم ما را با ارسال مقالات و اشعار و ترجمه‌های مفید و سایر قسمت‌های ادبی کمک کنید. البته به درج و انتشار مقالاتی که واجد شرایط فوق باشد مبادرت خواهد گردید. از خداوند برای پیشرفت مقصود و مرام خود کمک می‌طلبیم

در این شماره «اعضای» دفتر روزنامه جوانان ایران را چنین برشمرده‌اند: «امضاء دفتر روزنامه جوانان ایران آقایان ذیل با پیشنهاد سردبیران فارسی و انگلیسی نامه جوانان ایران و تصویب اولیاء کالج به مشاغل مذکوره در ذیل انتخاب گشته‌اند:
آقای هوشنگ نعمانی مسئول اشتراک و پخش روزنامه.

آقای منوچهر افضل معاون سردبیر فارسی آقای منوچهر آبتین معاون سردبیر انگلیسی آقای بنیامین نهورای مسئول کسب اخبار و معاونت پخش روزنامه»^۵

سال سیزدهم جوانان ایران با انتشار شماره ۷ در روز دوشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۱۷ پایان یافت. مطالب این سال نیز همچون سال پیشین به «اخبار داخلی کالج»، «مسابقه فکری»، «قسمت فکاهی»، «شعر»، «هوش خود را بیازمایید»، «نامه‌های وارده»، «جدول کلمات متقاطع»، «مقاله» و «بحث علمی» اختصاص دارد.

سال چهاردهم جوانان ایران با انتشار شماره یک در دوشنبه ۱۶ آبان ۱۳۱۷ آغاز شد و با انتشار توأمان شماره‌های ۵ و ۶ در شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۸ پایان گرفت. زین‌العابدین مؤتمن در سرآغاز سال چهاردهم نوشته است:

«با تقدیم این شماره روزنامه جوانان ایران وارد چهاردهمین سال عمر خود می‌گردد.

اکنون سیزده سال است که این نامه کوچک با همین قطع و اسلوب بدون هیچ‌گونه وقفه و تعطیلی در محیط کالج البرز انتشار می‌یابد و همه ساله عده‌ای از دانش‌آموزان هیئت مدیره آن را تشکیل داده و عهده‌دار طبع و انتشار آن بوده‌اند. بدیهی است با قلت سرمایه علمی و ادبی و عدم تجربه کافی و اشکالات دیگری که از لحاظ کمی وقت و ترتیب چاپ و انتشار در سر این راه موجود است انتظار و توقع چندانی نمی‌توان از هیئت مدیره آن داشت و با این وصف غریب نیست که انتشار این نامه را از لحاظ تأثیری که در میان طبقات مختلفه دانش‌آموزان کرده و خدمتی را که در راه روشن شدن فکر و توسعه ذهن و بالا بردن سطح معلومات و تجربیات آنها انجام داده است مفید دانسته و خود را نیز که عهده‌دار تهیه مطالب و مقالات و چاپ و انتشار آن هستیم مفتخر و سرافراز بدانیم.

اگر چه با بودن روزمجلات گوناگونی که در سرتا سر این کشور همه روزه چاپ و نشر می‌شود قدر و قیمتی نمی‌توان برای این نامه محقر قائل گردید. ولی از آنجائی که هیئت مدیره و تحریریه آن را یک عده از دانش‌آموزان و دانش‌جویانی تشکیل داده‌اند که در عین اشتغال به تحصیل و ضیق وقت با قلبی مملو از شوق و امید به ادامه این خدمت مشغول می‌باشند امید و انتظار می‌رود که این نامه محقر نیز که شاید بتوان آن را به دسته گل کوچک و زیبایی از گلزار

دانش و ادب تشبیه نمود مورد توجه و قبول ارباب ذوق و نظر واقع گردد.

امروزه در تمام مدارس و دانشگاههای معتبر دنیا نظیر چنین نامه‌ای چاپ و منتشر می‌شود و دانشجویان و دانش‌آموزان از همان اوان تحصیل و دانش‌اندوزی به کسب تجربه و آزمایش پرداخته و با شئون مختلفه زندگانی اجتماعی آشنایی حاصل می‌کنند بدیهی است که مطالب و مندرجات این سلسله روزمجلات به طور عموم مربوط است به مسائل اخلاقی و اجتماعی و ورزشی و علمی و ادبی و تربیتی و مطالبی که در تقویت و توسعه قوای فکری و دماغی طبقه جوان کشور که به تحصیل علم و هنر اشتغال دارند مؤثر بوده و غرور ملی و حسن میهن‌پرستی و سایر ملکات فاضله و سجایای عالیه اخلاقی را در وجود آنها ایجاد و استوار سازد حال نمی‌دانیم روزنامه جوانان ایران که مدت سیزده سال است به منظور همین خدمت در محیط کالج چاپ و منتشر می‌شود تا چه حد این خدمت را انجام داده و تا چه پایه و مایه‌ای این منظور را عملی نموده است. بدیهی است که پیشرفت این قسمت تنها منوط به کوشش و زحمت کسانی که در طی این چند سال متممادی عهده‌دار چاپ و انتشار آن بوده‌اند نبوده و نیست بلکه بیش از هر چیز همت و همکاری دانش‌آموزانی که قسمت اعظم خوانندگان این نامه را تشکیل می‌دهند در پیشرفت و توسعه این امر دخالت کلی داشته و دارد و در این صورت ما به کمک فکری رفقای دانش‌آموز خود احتیاج داریم و منتظر هستیم ما را با ارسال مقالات و اشعار مفید و ترجمه‌های سودمند و مطالب متنوع و گوناگون که در همه حال متضمن نکات اخلاقی و اجتماعی باشد کمک و مساعدت نمایند. البته به درج و انتشار مقالات و نوشته‌هایی که واجد شرایط فوق باشد مبادرت خواهد شد. از خداوند برای پیشرفت مرام و مقصود خود کمک می‌طلبیم. زین‌العابدین مؤتمن»^۶

درباره «اعضاء دفتر نامه جوانان ایران» نیز در صفحه اول شماره نخست سال چهاردهم آورده‌اند: «آقایان ذیل با پیشنهاد سردبیران فارسی و انگلیسی نامه جوانان ایران و تصویب اولیاء کالج به مشاغل مذکوره در ذیل انتخاب گشته‌اند:

آقای عزت‌الله گودرزی مخبر و کارگذار و مسئول پخش روزنامه؛

آقای حمید رضوی معاون سردبیر فارسی؛

آقای غوکاس میناسیان معاون سردبیر انگلیسی^۷.

در این سال همچون سالهای پیشین ذیل «اخطار» آورده‌اند:

«از کلیه آقایانی که مکاتیب و مراسلاتی برای درج می‌فرستند تقاضا می‌شود اولاً مقالات

خود را در یک طرف صفحه و با خط خوانا نوشته و ثانیاً ده روز قبل از انتشار روزنامه به دفتر

اداره ارسال دارند»^۸.

جوانان ایران در سال چهاردهم همچون سالهای پیشین در مطبعه فاروس تهران به چاپ رسید و در محتوایش نسبت به سالهای گذشته تغییری حاصل نشد. در آخرین شماره این سال مطلبی «به یاد شادروان مرحوم جهانگیر جلیلی» به چاپ رسیده که با نقل آن این وجیزه را به پایان می‌برم:

«افسوس که دی جوانیم پیر شدم مایوس* غم و ناله شبگیر شدم
از خوان جهان نخورده نان سیر شدم یکجای ندارم و (جهانگیر) شدم

*

رباعی فوق‌الذکر طبع شاد روان مرحوم جهانگیر جلیلی است که در نوروز گذشته در سن ۲۹ سالگی درگذشت. ایشان در سالهای تحصیلی ۱۰ - ۱۳۰۹ و ۱۱ - ۱۳۱۰ مدیریت این نامه را عهده‌دار بودند و سال ششم و هفتم نامه جوانان ایران را با مطالب ادبی و علمی و اشعار و مقالات مفید و شیرین به جامعه دانش‌آموزان کالج و دیگر علاقه‌مندان تقدیم نمودند. رباعی فوق‌نیز که اخگری از آتش فروزان احساسات و عواطف سوزان ایشان است در شماره یازدهم از سال هفتم همین نامه به چاپ رسیده است و ما برای ابراز همدردی نسبت باین واقعه جانگذار و تذکر دانش‌آموزان جدید کالج به سابقه خدمات ادبی ایشان به نقل آن مبادرت نمودیم و امیدواریم در شماره آتیه نیز مختصری از آثار فکری و قلمی آن ناکام را که در شماره‌های سابق این نامه منتشر شده است به چاپ رسانیم. چون قریب دو ماه از وقوع این واقعه می‌گذرد نخواستیم با شرح و تفصیل بیشتری قلوب خویشاوندان و دوستان آن ناکام را که تازه رفته است تسکین و التیام پذیرد جریحه‌دار سازیم از این رو به همین مختصر قناعت گردید.^۹

۹۸

منابع

۱. تلاش، ش ۳۱، آبان - آذر ۱۳۵۰، ص ۳۹.
۲. جوانان ایران، س ۱۲، ش ۱، پنج‌شنبه ۲۱ آبان ۱۳۱۵، ص ۱.
۳. جوانان ایران، س ۱۲، ش ۱۰، دوشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۱۶، ص ۱ - ۲.
۴. جوانان ایران، س ۱۳، ش ۱، پنج‌شنبه ۱۸ آذر ۱۳۱۶، ص ۱.
۵. همانجا.
۶. جوانان ایران، س ۱۴، ش ۱، دوشنبه ۱۶ آبان ۱۳۱۷، ص ۱ - ۲.
۷. همانجا.
۸. همانجا.
۹. جوانان ایران، س ۱۴، ش ۵ - ۶، شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۸، ص ۱.